

The Effect of Ideology on the View of Homeland in the Poetry of Constitutional Era and Islamic Revolution

Abbasali Vafaei^۱

Naser Aref^۲

Abstract

The success of the Constitutional Revolution, with ideas of nationalism and reformism, and by creating profound changes in cultural, political and social domains, has made fundamental changes in the creation of nation's ideology about human, the role of religion in the administration of social affairs, and patriotism and has introduced new concepts in the dominant discourse. Also, the Islamic Revolution, with its monotheistic ideology, having the goal of conferring jurisdiction to the Islamic law and establishing a political regime based on religion, has changed the worldview of the nation and the cultural and social foundations. 'Homeland' is one of the common themes which has been frequently used in a new concept, different from its old meaning, in the poetry of these two revolutions. In order to reveal the important and influential elements on patriotism to the truth seekers, this study has investigated the effect of nationalistic and religious ideologies on poems about homeland written by the poets living in the two eras were studied with reference to their books of poetry and other related analytical works.

The concept of 'homeland' in the view of poets of the Constitutional Era is influenced by western culture and civilization and nationalism, while in the view of poets of the Islamic Revolution, it is inspired by religious, Islamic-patriotist teachings, also the concept of 'Islamic Iran' and to some extent, the concept of nationalism has been used by the link made between national and religious culture in the Islamic Revolution.

Keywords: The Constitutional Movement, The Islamic Revolution, homeland poetry, nationalism.

^۱. Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University (Corresponding author), email: a_a_vafaie@yahoo.com

^۲. PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University Saveh Branch .Email: hashem۳۱۳@gmail.com

Date Received: ۰۶. ۰۳. ۲۰۱۷

Date Accepted: ۰۱. ۰۷. ۲۰۱۷

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

تأثیر ایدئولوژی در نگاه به وطن در شعر مشروطه و انقلاب اسلامی

(علمی- پژوهشی)

دکتر عباسعلی وفايي^۱

ناصر عارف^۲

چکیده

انقلاب مشروطه با اندیشه ملی‌گرایی و تجدد خواهی و با ایجاد دگرگونی‌های عمیق در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ساحت ایدئولوژی ملت درباره انسان، نقش دین در اداره امور جامعه و وطن خواهی را دستخوش تغییرات اساسی کرد و مفاهیم جدید را به گفتمان غالب تبدیل نمود. انقلاب اسلامی نیز با ایدئولوژی توحیدی برای حاکمیت بخشیدن به قانون اسلامی و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر دین، جهان‌بینی ملت و بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی را دگرگون کرد. «وطن» از جمله موضوعات مشترکی است که در شعر این دو انقلاب، متفاوت از مفهوم قدیم آن، با بسامد بالایی به کار رفته است. برای اینکه عناصر مهم تأثیرگذار بر وطن دوستی برای حقیقت‌جویان آشکار شود، در این مقاله، تأثیر ایدئولوژی ملی‌گرایی و دین‌مداری بر شعر وطنی شاعران این ادوار، با مراجعه به دیوان شعر آنان و آثار تحلیلی مرتبط با موضوع، مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی بوده و نتیجه به دست آمده بیانگر این است:

مفهوم وطن در اندیشه شاعران دوره مشروطه با تأثیرپذیری از فرهنگ و مدیته جهان غرب، ملی‌گرایی و ناسیونالیستی است و در جهان‌بینی شاعران انقلاب اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی، اسلام وطنی است و با پیوند فرهنگ ملی و دینی در انقلاب اسلامی، مفهوم «ایرانی اسلامی» و تا حدودی ملی‌گرایی و ناسیونالیستی نیز به کار رفته است.

واژه‌های کلیدی: مشروطه، انقلاب اسلامی، شعر وطنی، ناسیونالیسم.

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول: a_a_vafaie@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه hashem313@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۰-۰۴-۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۶-۱۲-۱۳۹۵

۱- مقدمه

نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی از وقایع بسیار مهم در یکصد سال اخیر ایران بوده‌اند که با دو جهان‌بینی متفاوت و معارض با هم، «ترقی خواهی» و «تعالی خواهی» و با ایجاد دگرگونی‌های عمیق در ساختار فرهنگی و اجتماعی به پیروزی رسیدند.

«انقلاب نخست، شاهد پیروزی هرچند کوتاه روشنفکران مدرن بود؛ روشنفکرانی که از ایدئولوژی‌های غربی، ناسیونالیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم الهام می‌گرفتند، قانون اساسی کاملاً غیر دینی مدون کردند و به نوسازی جامعه خود مطابق جوامع اروپایی معاصر امیدوار بودند؛ اما با انقلاب دوم، علمای سنتی به میدان آمدند؛ علمایی که از «دوران طلایی» اسلام، الهام می‌گرفتند، پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند، محاکم شرع را جایگزین دادگاه‌های موجود کردند و مفاهیم غربی همچون دموکراسی را مفاهیمی الحادی دانستند و مورد انتقاد قرار دادند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۵۳).

انقلاب مشروطه و اسلامی با ایدئولوژی‌های نو بر تعاملات و تحولات فرهنگی و اجتماعی تأثیر گذاشتند. «وطن» از جمله موضوعاتی است که با این تفکرات در شعر شاعران این ادوار، با بسامد بالایی در مفهومی متفاوت از تلقی قدما بازتاب یافته‌است. در این پژوهش، تأثیر ایدئولوژی‌های دینی و غیردینی در نگاه به وطن، در شعر این دو واقعه بزرگ آشکار گردیده‌است.

۱-۱- بیان مسئله

جنبش مشروطه خواهی در نتیجه آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن اروپا و با ایدئولوژی ملیت رُخ داد. انقلاب اسلامی نیز با الهام گرفتن از قانون الهی و سیره بزرگان دینی با ایدئولوژی اسلامی به پیروزی رسید. جهان‌بینی افراد و گروه‌ها در این دو انقلاب بزرگ، یا بر پایه مفاهیم جدید ملهم از غرب استوار بود و یا ریشه در فرهنگ دینی داشت. در این

جستار که به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام گرفته است، تأثیر ایدئولوژی در نگاه به وطن، در شعر این ادوار بررسی می‌شود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

شفیعی کدکنی در مقاله «تلقی قدما از وطن»، وطن در مفهوم ملی‌گرایی را در شعر مشروطه با مفهوم زادگاه، شهر، روستا، قلمرو و قومی در نگاه شاعران قدیم مقایسه کرده و نتیجه‌گیری کرده است که وطن در مفهوم ملت در ادوار قبل بی سابقه بوده است. او در کتاب-های «ادوار شعر فارسی» و «با چراغ و آینه»، مفهوم تازه ملی‌گرایی وطن را در اندیشه شاعران عصر مشروطه، برگرفته از فرهنگ و تمدن اروپا بیان کرده است. ماشاءالله آجودانی در بخش-های نخست، هفتم، هشتم و نهم «کتاب مشروطه ایرانی» در تحلیل اندیشه‌ها، به وطن‌دوستی شاعران و روشنفکران پرداخته است. مصطفی ندیم در کتاب «مضمون شهید و شهادت در ادبیات فارسی از مشروطه تا سال ۱۳۶۸» به اختصار، به اندیشه‌های دینی و مذهبی شاعران مشروطه و انقلاب اسلامی پرداخته است. ضیاءالدین ترابی در کتاب «شکوه شقایق» در نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس، به صورت مختصر به اندیشه‌های وطن‌گرایی شاعران اشاره کرده است؛ ولی تاکنون «تأثیر ایدئولوژی در نگاه به وطن در شعر مشروطه و انقلاب اسلامی» به صورت جامع، در هیچ مقاله و کتابی مطرح نگردیده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

روشن شدن زوایای پنهان تأثیر انواع ایدئولوژی بر وطن‌خواهی در شعر مشروطه و انقلاب اسلامی و بیان اثرپذیری شعرای هر دو دوره از فرهنگ و تمدن غربی و ارزش‌های دینی در مقوله میهن‌دوستی، از ضرورت‌ها و اهمیت این پژوهش است.

۲- بحث

وطن‌دوستی، ستایش زادبوم و دفاع از آن در نزد همه ملت‌ها امری پسندیده بوده و در ایران نیز پیشینه کهن دارد. دل‌بستگی به خانه و آشیانه، تنها مخصوص به انسان‌ها نیست؛ بلکه در نهاد موجودات دیگر نیز دفاع از لانه و محیط وجود دارد:

عنكبوت ار لانه دارد، آدمی دارد وطن
عنكبوت آسا تو هم دور وطن تاری به تن
بهر حفظ لانه خود می تند تار عنكبوت
ز عنكبوتی کم نه ای، ای غافل از حفظ وطن
(کسروی، به نقل از منیرمازندرانی، ۱۳۹۴: ۵۴)

دهخدا، از شاعران نامور مشروطه، وطن دوستی را خمیرمایه وجود انسان دانسته و در انتقاد از وطن فروشان و افراد سست عنصر، با تمثیلی زیبا از ماکیان گفته است:

هنوزم ز خُردی به خاطر
که در لانه ماکیان بُرده دست
درست
که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
به منقارم آن سان به سختی
وطن داری آموز از ماکیان
گزیند
(دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۲۴)
پدر خنده برگریه ام زد که
هان

هویت ملی و فرهنگی افراد به وطن وابسته است. با انگیزه و ایدئولوژی‌های دینی و ملی در طول تاریخ، خونین ترین درگیری‌ها و زیباترین صحنه‌های سلحشوری و پایداری در دفاع از سرزمین‌ها رخ داده و با ذوق هنرمندانه شاعران حماسه سرا به تصویر کشیده شده است.

۲-۱- ایدئولوژی چیست؟

ایدئولوژی در اندیشه نظریه پردازان علوم اجتماعی، مترادف با فرهنگ، مجموعه‌ای از آرمان‌ها و خواسته‌ها و اعتقادات دینی و نظم دهنده رفتار، گفتار و کردار افراد و گروه‌هاست. «ایدئولوژی مجموعه تجلیات ذهنی است که همراه با ایجاد پیوند میان افراد پدیدار می‌شود. اسطوره‌ها، مذاهب، اصول اخلاقی، عادات و رسوم و طرح‌های سیاسی، ایدئولوژی به شمار می‌آیند» (بشلر، ۱۳۷۰: ۲۱) و «نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود» (اختری، ۱۳۶۱: ۱۶). تعصبات دینی، مذهبی و قومی در نگاه به مفاهیم و مقاصد در ایدئولوژی

افراد و گروه‌ها هویدا می‌شود. بدین جهت است که نگاه به وطن در جهان‌بینی افراد و گروه‌ها با بینش‌های گوناگون و در مفاهیم زادگاه، عالم ملکوت، ناسیونالیستی، انترناسیونالیستی، اسلام‌وطنی و شووینیسیم پدیدار می‌گردد.

«مفهوم وطن و وطن‌پرستی در ادوار مختلف تاریخ بشر و در فرهنگ‌های متفاوت انسانی، وضع و حال یکسانی نداشته. در بعضی از جوامع شکل و مفهومی دیگر، حتی در یک جامعه نیز در ادوار مختلف نیز ممکن است مفهوم وطن به تناسب هیئت‌های اجتماعی و ساختمان حکومتی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی تغییر کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۶۴۱ ب).

۲-۲- وطن ایدئولوژیکی

در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایرانیان، دولت‌های ایدئولوگ غزنویان و سلجوقیان که از تبار تُرکان و غیر ایرانی بودند، دین‌مداری را بر وطن‌دوستی ترجیح می‌دادند. در بینش و جهان‌بینی آنان، ایران و ایرانی چندان مطرح نبوده است. آنان با برجسته کردن فرهنگ و هویت دینی و بادمیدن بر آتش اختلافات و تعصبات مذهبی توانستند در ایران حکومت کنند و برای به دست آوردن غنایم و گسترش قلمرو حکومت خود به نام دین، لشکرکشی‌ها می‌کردند. برخی از شاعران نیز با شعر خود آنان را همراهی می‌کردند. فرخی سیستانی در مدح محمود غزنوی، با نگاه ایدئولوژیکی به شهرها و اماکن اشاره کرده و می‌گوید:

ای مَلِکِ گیتی، گیتی	حکم تو بر هر چه تو گویی رواست
تراست	میل تو اکنون به منا و صفاست
مُلکِ ری از قِرمطیان	(صفا، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳۶)
بستدی	

«ایرانیان در قرن ششم بر اثر غلبه اندیشه‌های خالص اسلامی از طرفی و چیرگی قبایل و غلامان بی‌اصل و نسب و ظالم و جاهل زردپوست از طرف دیگر، قسمتی از خصایل نژادی

خود را فراموش کردند و به صورت ملت بی‌علاقه‌ای درآمدند که دیگر مبارزه برای حفظ ملیت و بقای بر آن را تقریباً لازم نمی‌شمردند» (همان، ج ۳: ۸۳).

اما در دوره مشروطه بر اثر تأثیر فرهنگ اروپایی بر جهان‌بینی روشنفکران و شاعران نوگرا، ایدئولوژی ملی‌گرایی و ناسیونالیستی در نگاه به وطن، برجسته‌تر از جهان‌بینی‌های دیگر بوده و در انقلاب اسلامی عشق به وطن و ملیت با پیوند ایدئولوژی دینی متجلاً است. در راه وطن اگر سپاری سر و جان از خون تو دین حق شود جاویدان (مردانی، ۱۳۶۷: ۷۱۴)

۲-۳- ملی‌گرایی

واژه ملت، از نظر لغوی به معنی دین و کیش و مذهب است. در قرآن کریم نیز به همین معنی به کار رفته است. «قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (آل عمران: ۹۵)؛ اما با تغییر معنای لغوی آن، در مفهوم اصطلاحی، به گروهی از انسان‌ها که تعلقات قومی و نژادی و زبانی دارند، اطلاق می‌شود که در تفکر آنان تفاخر و بزرگ‌شمردن وطن، باستان‌ستایی، جدایی دین از سیاست و محدود کردن قلمرو گسترش اجتماعی دین وجود دارد. «ملت، گروه بزرگی از افراد بشر با سوابق تاریخی، سرزمینی، زبان مشترک و دارای خلیات و سنن و آداب و با منافع کم و بیش یکسان است» (طاهری، ۱۳۸۵: ۹).

گروهی از اندیشمندان مسلمان، ملی‌گرایی را مغایر با فرهنگ دین اسلام می‌دانند؛ زیرا معتقدند غربی‌ها با هدف دستیابی به منابع اقتصادی مسلمانان، ملی‌گرایی را مطرح کردند تا کشورهای بزرگ مسلمان را به واحدهای کوچک‌تر و پراکنده تبدیل کنند.

لرد مغرب آن سراپا مکر و فن	اهل دین را داد تعلیم
او به فکر مرکز و تو در نفاق	و طـــــــ
	بگذر از شام و فلسطین و
	عـــــــــــــــــــــــــــــــراق

(اقبال لاهوری، ۱۳۸۹: ۳۳۳)

۲-۴- وطن عرفانی

با وجود اینکه عارف بزرگی چون عین‌القضات در رساله «شکوی الغریب» همانند سایر وطن‌دوستان، عشق به زادگاهش را به نمایش می‌گذارد و مولانا نیز درد دُوری خود از وطن را با دیدن سید برهان ترمذی التیام می‌بخشد و همچنین، عطار با جان‌نثاری، وطن‌دوستی خود را به نمایش می‌گذارد؛ اما در بینش همه عارفان، وطن اصلی عبارت از عالم ملکوت است. آنها در این دنیا غریب افتاده‌اند و مدام سرود فراق جان‌سوز سر داده‌اند. موطن اصلی در نگاه ابوسعید ابوالخیر، دل بی‌قرار و مالا مال از عشق به خداست. او می‌گوید:

گر با غم عشق سازگار آید	بر مرکب آرزو سوار آید
دل	دل
گر دل نبود کجا وطن سازد عشق	ور عشق نباشد به چه کار آید
	دل

(ابوالخیر، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

به همین خاطر است که نغمه و نوای نی مولوی، طنین‌انداز گوش روزگاران شده است:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند	از جدایی‌ها شکایت
کز نیستان تا مرا	می‌کند
ببریده‌اند	در نفیرم مرد و زن
	نالیده‌اند

(مثنوی، ۱۳۸۸: ج ۱)

(۱۱۰)

عارفان به انسان‌ها می‌گویند، موطن شما اینجا نیست. باید بکوشید تا به لامکان پرواز کنید:

این وطن جایی است کاو را نام نیست خو به غربت کرده‌ای، خاکت به سر (شیخ بهایی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)	این وطن مصر و عراق و شام نـــــــــــــــــــــــــــــــــــــت تو در این اوطان، غریبی ای پـــــــــــــــــــــــــــــــــــــر
----------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۲-۵- اسلام وطنی

در جهان‌بینی گروهی از اندیشمندان مسلمان به استناد آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)، وطن در محدوده جغرافیایی و مرزهای معین محصور نیست و هر جا که اسلام است، آنجا وطن است. آنان به حکم آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) با سایر ملت‌های مسلمان برادر هستند.

«در دوره اسلامی شعر وطن‌دوستانه، تحت الشعاع هدف غایی اسلام در تشکیل امت واحد قرار گرفت. بسیاری از تعصب‌های قومی و قبیله‌ای نیز رنگ باختند و شعر سرودن درباره منزلگاه‌ها، اظهار شور و اشتیاق به آنها به تدریج کاهش یافت» (احمدی چناری، ۱۳۸۰: ۵).

اما در دوره قاجار، نگاه اسلام وطنی به‌ویژه در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی که پرچمدار اتحاد اسلامی بود، به گونه‌ای نو مجال ظهور یافت. او تا آخر عمر برای خود وطنی انتخاب نکرد. «سید همه کشورهای تحت ستم و ... همه شرق را به منزله وطن خود می‌دانست. در کل، اسلام وطنی شعار او بود» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۹). با تأثیر از اندیشه او «بهاء‌بیگ و روشنی‌بیگ از ترکان عثمانی در زمان جنگ جهانی اول به ایران آمده و اتحاد اسلامی را

تبلیغ می کردند» (آرین پور، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۰۰). از طرفی همین ایدئولوژی، «انبوه ایرانیان را که از مظالم روس و انگلیس دلگیر بودند، با عثمانیان هم‌آواز کرد» (همان).

ملت عثمانی با ما یکی است	ما دو جماعت را مبدأ یکی است
ما دو گروهیم ز یک	نیست میانه سخن از ما و من
پیـــــــــــــــــرهن	(بهار، ۱۳۹۱:
	(۷۹۱)

اقبال لاهوری نیز، بزرگ‌ترین شاعر فارسی‌زبان اسلام وطنی با شعر جنبش‌آفرین خود، امت اسلامی را به مقاومت در راه آزادی فرامی‌خواند. در اندیشه او نژادپرستی و ملی‌گرایی، عامل تفرقه و اتحاد و همبستگی، درمان درد عقب‌ماندگی مسلمانان بوده است.

ما که از قید وطن	چون نگه نور دو چشمیم و یکیم
بیگانه‌ایم	شب‌نم یک صبح خندانیم ما
از حجاز و چین و ایرانیم	(اقبال لاهوری، ۱۳۸۹: ۴۵)

۲-۶- ایدئولوژی روشنفکران مشروطه

در انقلاب مشروطه دو اندیشه «ترقی‌خواهی» و «تعالی‌خواهی»، اساسی‌ترین شاخصه روشنفکران و اندیشمندان در رهایی از سلطه استبداد و رسیدن به پیشرفت بود. نگرش ترقی‌خواهی در تعارض با بینش تعالی‌خواهی سبب شد تا بنیان‌های ایدئولوژی ایرانیان درباره انسان، جهان، وطن و نقش دین، در اداره امور جامعه دستخوش تغییرات اساسی گردد. «گفتمان مدرنیته به‌ویژه در بُعد سیاسی و فرهنگی از این پس در ایران به‌عنوان نسخه درمان‌بخش مطرح شد تا بدانجا که پاره‌ای از روشنفکران در جهت پیدا شدن الگوی ترقی حاضر شدند حتی مقدسات خود را نادیده انگارند» (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۴۲).

روشنفکران، سه ابزار کلیدی مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم را برای ساختن جامعه نوین لازم می‌دانستند. «روشنفکران بر این باور بودند که مشروطیت، سلطنت ارتجاعی را از بین خواهد برد و ریشه‌های استثمارکننده امپریالیست‌ها را می‌خشکاند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۸۰).

طالبوف، میرزا آقا کرمانی، ملک‌خان، تقی‌زاده و آخوندزاده از روشنفکران ترقی‌خواهی بودند که بر تقلید محض از فرهنگ و تمدن اروپا، در رسیدن به پیشرفت پافشاری می‌کردند. گروه چشمگیری از ملی‌گرایان، تنها راه رسیدن به پیشرفت و سعادت‌مندی اجتماعی را در ستیز با دین و حذف آن از همه حوزه‌های فردی و اجتماعی می‌دانستند. (شفیعی-کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۲ب). آخوندزاده علاوه بر اینکه از نظریه‌پردازان و پشتیبانان غربی‌کردن سرزمین‌های مسلمانان بود، با ابراز علاقه‌مندی به نژاد آریایی و قوم پارسیان، درباره دین و زرتشتیان می‌گفت: «زرتشتیان برادران و هموطنان و هم‌جنسان و هم‌زبانان ما هستند. ما فرزندان پارسیانیم و بر ما تعصب پارسیان فرض است ... نه اینکه تعصب دین؛ چنانکه شعار فرنگیان است» (مددپور، ۱۳۹۳: ۲۶۴).

ایدئولوژی غالب ترقی‌خواهی، بر اندیشه برخی از شاعران تأثیر گذاشت و فرخی یزدی، میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، عارف قزوینی، دهخدا و ایرج میرزا را پرچمدار و مروج تفکر تقلید از غرب کرد. آنان درون‌مایه عمده شعرشان را به این امر اختصاص دادند تا آنکه آتش عشق به وطن در دل حیدرعلی کمالی زبانه می‌کشید. او در این باره می‌گوید: برای رسیدن به ترقی و پیشرفت باید دنباله‌رو اروپا شد:

رهی کان اروپا بپیموده	بیایست ما را همان ره برید
است	همه گر به سر هست باید دوید
که زی زندگانی جز آن راه نیست	به افلاک با بال دانش پرید
تواز جهل بر خر سواری او	(کمالی، ۱۳۳۰: ۶)

بنیان اصلی ایدئولوژی ملی‌گرایان، عشق‌ورزی و ستایش از شکوه وطن است:

تینده نام تو در تار و پودم میهن! ای - بود لبریز از عشقت وجودم میهن! ای میهن!
 میهن! - فدای نام تو بود و نبودم، میهن! ای میهن!
 تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی (لاهورتی، ۱۳۸۵: ۳۳)

عارف قزوینی، جامعه استبدادزده وطن را به قفس و خود را به مرغ گرفتار در آن مانده کرده و با ناله جانسوز از هم وطنان می خواهد در راه آزادی آن به پا خیزند:

نالۀ مرغ سحر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
 همت از باد سحر می طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
 (عارف، ۱۳۸۹: ۵۰)

فرزندان ایران با عشق به وطن، هزاران حادثه و فتنه را با استواری از سر به دور کرده اند:

این وطن فتنه ضحاک ستمگر دیده آفت پور پشن رنج سکندر دیده
 جور چنگیزی و افغان ستمگر دیده گرچه از دشمن دون ظلم مکرر دیده
 (فرخی یزدی، ۱۳۹۴: ۱۸)

میرزاده عشقی از شاعران میهن پرست افراطی بود. او اسلام را مانعی در راه پیشرفت و اعتلای وطن می دید. «عشقی در حقیقت، نماینده مفهوم ناسیونالیسم در نسل جوانان بعد از مشروطیت است؛ نسلی که به دین و سنن دینی چندان پایبند نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۱۵ ب). وطن در نزد میرزاده عشقی، مقدس ترین آرمان است. او می گوید:

شراب مرگ خورم بر سلامتی وطن بجاست که بدین مستی افتخار کنم
 (میرزاده عشقی، ۱۳۵۷: ۳۸۰)

هزارستان عشق به وطن در وجود او لانه کرده بود. نوای خوش الحانش برای وطن دوستان

ترنمی دلپذیر و گوش نواز و برای دشمنان وطن، آزاردهنده و گوش خراش بود:

معشوق عشقی ای وطن ای عشق پاک ای آنکه ذکر عشق تو شام و سحر کنم
 عشقت نه سرسری ست که از سر به در شود مهرت نه عارضی است که جای دگر کنم
 (همان: ۳۷۷)

ایرج میرزا با اندیشه ملی گرایی و با تمسخر به نگاه انترناسیونالیسم و اسلام وطنی می گوید:

فتنه‌ها در سر دین و وطن است
صحبت دین و وطن یعنی چه؟
این دو لفظ است که اصل فتن است
دین تو موطن من یعنی چه؟
همه عالم همه کس را وطن است
همه جا موطن هر مرد و زن است
(ایرج میرزا، ۲۵۳۶: ۱۲۷)

عشق او به وطن همچون عشق فرزند به مادری مهربان از عمق دل می جوشد. در نگاه او، ملت ایران برادر یکدیگر هستند و شعر وطن دوستی با جانبازی سروده می شود.

وطن ما به جای مادر	ما گروه وطن
ماست	پرستانیم
شکر داریم گز	درس حب الوطن همی
طفولیت	خوانیم
چونکه حب الوطن ز ایمان	ما یقیناً ز اهل
است	ایمانیم
گر رسد دشمنی برای	جان و دل رایگان
وطن	بیفشانیم

(ایرج میرزا، ۲۵۳۶: ۱۹۴)

روشنفکران و اندیشمندانِ تعالی خواه نیز با ایدئولوژی توحیدی بر این باور بودند که می توان بدون تقلید چشم بسته از فرهنگ و تمدن غربی و ناسیونالیسم افراطی، با بهره گیری از توانمندی های داخلی و فرهنگ دینی به پیشرفت و توسعه دست یافت. «امید و نگاه الگوی تعالی خواهی به توانمندی ها و قابلیت های دینی و ملی بیشتر از تقلید از غرب بوده است» (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۴۴). علمای روشنفکر دینی چون علامه نائینی، فضل الله نوری، سید محمد طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی و ... که جزو رهبران مشروطه بودند، با غربی شدن فرهنگ و مظاهر کشور مخالفت کرده و خواهان مشروطه مشروعه بودند. «اکثریت چشمگیری (متجددان دینی) بر آن بودند اسلام بی هیچ کم و کسری بهترین راه زندگی است»

(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۶۲ الف) و «مخالفان مشروطه، وطن پرستی مشروطه خواهان و مفهوم جدید وطن را نوعی جمال پرستی و خارج از اسلام پرستی تعبیر می کردند و با طرح مفهوم وطن اسلامی یا نوع مخصوص از وطن، به پاسخ برمی آمدند» (آجودانی، ۱۳۸۷: ۳۹).

هرچند درون مایه های شعر شاعران تعالی خواهی چون سید اشرف الدین، بهار، ادیب پیشاوری و ادیب الممالک، در نگاه به وطن با هم نشینی ملیت و اسلامیت غنی شده است؛ اما ایدئولوژی «اسلام وطنی» نیز از ویژگی های شعر تعالی خواهان این دوره بود:

اجنبی شد حمله ور بر مذهب و آیین ما ای دریغا می رود هم مملکت هم دین ما
ای جوانان وطن الیوم یوم همت است ای هواخواهان دین امروز روز غیرت است
(گیلانی، ۱۳۹۲: ۴۱۲)

نفوذ دین در جامعه ایران همیشه قوی بوده است. فرخی یزدی با وجود داشتن ایدئولوژی سوسیال دمکراتیک، از فرهنگ دینی برای تهییج ملت به دفاع از وطن کمک گرفته است:

ای وطن پرور ایرانی اسلام پرست!
همتی ز آنکه وطن رفت چو اسلام ز
دست

(فرخی یزدی، ۱۳۹۴:

(۱۸)

نگاه به وطن در اندیشه ملک الشعرا بهار، متأثر از فرهنگ ملی و دینی، دو سویه بوده است. او دین اسلام را هم جزوی از عناصر و ارزش های ملی دانسته و از آن در رسیدن به استقلال و پیشرفت مدد می گرفت. «بهار اسلام را به عنوان عنصر ملی در ساختار وطن می پذیرد و بزرگان دینی ایران را عناصر سازنده ملیت می داند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۰ الف).

آن روز چه شد کایران ز انوار عدالت چون خلد برین کرد زمین را و زمن را
آن روز کجا شد که ز پنجاب و ز کشمیر اسلام برون کرد و ثن را و ثمن را
(بهار، ۱۳۹۱: ۵۹۰)

مملکت داریوش دستخوش	هان ای ایرانیان! ایران اندر
نیکلاست	بلاست
غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی	مرکز ملک کیان در دهن
کجاست	اژدهاست
(همان: ۲۰۸)	

ادیب پیشاوری از علمای زاهدپیشه مشروطه خواهی بود که هم دغدغه استقلال کشور داشت و هم بر حاکم شدن فرهنگ دینی تأکید می کرد. او به شدت از انگلستان متنفر بود. «حُب وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب و سیرت او بود. هیچ گناهی را بزرگ تر از خیانت به وطن و تمایل به اجانب نمی دانست؛ چنانکه اغلب قصاید و مثنویاتش در این زمینه و راجع به این موضوع است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۲۱ ب).

به نظر ادیب، علت شکست مسلمانان و عقب ماندگی وطن، دوری ایرانیان از فرهنگ دینی است و با تجدید حیات دینی می توان بر دیو استعمارگران وطن پیروز شد و از نور پر فروغ اسلام، مشعل پیشرفت و سعادت مندی را روشن کرد:

روان بـرفـروزید زین	به دل در مدوزید ترفندها
پنـدهـا	بدین بگروید و سوی دین چمید
ز ترفند ابلیس طبعان	(پیشاوری، ۱۳۸۰: ۵۵۸)
رهِـد	

۲-۷- ایدئولوژی شاعران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با ایدئولوژی تعالی خواهی و با به چالش کشیدن اندیشه ترقی خواهی به پیروزی رسید. اصلی ترین ویژگی تفکر روشنفکران انقلاب اسلامی، دین باوری بوده است. شاعران عصر انقلاب اسلامی در همسویی با ارزش ها و آرمان های انقلاب به سه گروه تقسیم شدند. اصلی ترین منبع فکری و سرچشمه ایدئولوژی دو گروه عمده از آنان، در نگاه به وطن،

فرهنگ دینی و ملی بود. در بینش این دو گروه، سربازی و پایداری در دفاع از وطن در مقابل دشمن خارجی با تمسک به فرهنگ دینی همراه بوده است. «گذشته تاریخی ما، حداقل در سده‌های اخیر و به‌ویژه در وقوع انقلاب و سال‌های دفاع مقدس نشان داد که مردم ایران در هنگام خطر و ستیز با دشمنان مهاجم خارجی و استبداد داخلی، بیش از «هویت ملی» بر «هویت دینی» تکیه کرده‌اند» (سنگری، ۱۳۹۳: ۵۳).

فرهنگ ملی نیز از عناصر تشکیل‌دهنده ایدئولوژی گروه دیگری از شاعران دوران انقلاب اسلامی، مانند مردوخی، گلشن کردستانی، حمید مصدق و ... بود. عشق به وطن در شعر آنان ناسیونالیستی، اما ملایم‌تر از دوره مشروطه است:

کشور ایران شکوه و فرّ جاویدان گرفت وه! که هفت اقلیم را آوازه ایران گرفت
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۰۰۴)

در ره حفظ وطن ما ترک سر خواهیم کرد حمله بر صدامیان چون شیر نر خواهیم کرد
چون به بی باکی و مردی شهره دهریم ما در ره حق سینه خود را سپر خواهیم کرد
(یمینی مردوخی کردستانی، ۱۳۶۴: ۱۸۰)

وطنم، جان و تنم / هرگز از مهر تو، دل برنکنم (مصدق، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

دل بسته‌ام به خاک وطن / من و پایدار / تا پای دار (همان: ۱۵۳).

در چکامه حماسی زیر، شاعر در نگاه به وطن میان ملیت و اسلامیت را پیوند داده است:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم صف این دشمن بیگانه میهن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ چو علی فاتح خیر شکن تن شکنیم
راه ما راه حسین است که با تیشه خون همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم
(مردانی، ۱۳۶۴: ۴۶)

عشق به وطن با جلوه‌هایی از حماسه‌سرایی در شعر برخی از شاعران انقلاب اسلامی، گسترده‌تر از محدوده جغرافیایی و ناسیونالیستی و به وسعت جهان‌بینی‌شان متعالی است:

به خون گر کشتی خاک من، دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من
تم گر بسوزی، به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم سر از تن من
کجا می‌توانی ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من
مسلمانم و آرمانم شهادت تجلی هستی است جان کندن من
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۳)

گذرگاه شیران، در شعر زیر، کنایه از ایران، زادگاه دلیرمردان وطن دوست شیرافکن است:

که چون دشمنان عزم ایران کنند نظر بر گذرگاه شیران کنند
که چون خصم گردد به ما کینه‌ساز کند پای خویش از گلیمش دراز
دو جرعه می‌سرمدی سر کشیم پس آنگه چنان تیغ برکشیم
که دشمن گذارد سر خود به جای نماند از او هیچ جز دست و پای
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۷۶: ۷)

با وجود آنکه برخی از ادبا و نویسندگان، زمان آغازین ادبیات و شعر انقلاب را ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانسته‌اند، از این نگاه، شاعران انقلاب اسلامی نیز از نظر جهان‌بینی به دو گروه موافق انقلاب و یا مخالف و بی‌تفاوت تقسیم می‌شوند. جمع بسیاری از آنان مانند قیصر امین‌پور، نصرالله مردانی، طاهره صفارزاده و ... با اهداف و آرمان‌های انقلاب موافق و همسو بودند و با سرودن شعر پایداری به دفاع از دین و وطن پرداختند (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۰). گروهی دیگر از شاعرانی که با انقلاب همسو و هماهنگ نبودند، خود به سه گروه تقسیم می‌شوند. از میان آنان شاعرانی مانند احمدشاملو، فریدون مشیری، اخوان ثالث، سیمین بهبهانی و ... با داشتن جهان‌بینی متفاوت، با اهداف و ارزش‌های انقلاب زاویه داشتند و در مواردی نیز، تحت تأثیر جریان‌های اجتماعی قرار گرفته و برای انقلاب شعر سرودند؛ همچنین شاعرانی مثل شهریار، اوستا، مشفق کاشانی و سبزواری به طور کلی به قافله انقلاب پیوسته و با سروده‌هایشان انقلاب

را یاری کردند (سنگری، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۸). مهدی اخوان ثالث با وجود داشتن اندیشه ناسیونالیستی، اشعار زیبای وطنی سروده است:

ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم
تو را ای کهن پیر جاوید برنا تو را دوست دارم اگر دوست دارم
(اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

سیمین بهبهانی نیز، با تمام وجود به وطن ملی و ناسیونالیستی عشق می‌ورزد:

که من از وطن جدایی بـــه خدا نمی‌توانم
چو مجال تن شود طی چو بریزدم رگ و پی
تو همان «حکایت نی» شنوی ز استخوانم
(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۶۲۱)

او در شعر «دوباره می‌سازمت وطن»، عشق و دلبستگی خود را به وطن بیان کرده است:

دوباره می‌سازمت، وطن! اگر چه با خشت جان خویش
ستون به سقف تو می‌زنم اگر چه با استخوان خویش
(همان: ۷۱۱)

در نگاه ناسیونالیستی، وطن همچون معشوقی ماهرخ دلرباست و به آن عشق می‌ورزند:

سرود شوق من ای دوست! عشق ایران است نوای جان من از شوق و شور عرفان است
چنان به مهر وطن شعله می‌کشد جانم که سوز و ساز دلم نقش بند ایوان است
(حقیقت، ۱۳۹۴: ۱۸)

بند بندم در ره عشق وطن می‌سراید این سرود ممتحن
تا که از ایران و ایرانی است نام جان من با فدا هر کدام
(همان: ۲۰۰)

نگاه و اندیشه فریدون مشیری در همه امور با انقلاب همسو نبود. او نیز در دوران دفاع مقدس، با دیدن پیکرهای به خون غلتان حماسه آفرینان وطن در وصف آنان سروده است:

خورشیدها شکفت ز هر قطره خون من هر جا که پاره‌های دل پرپرم گذشت
در پرده‌های دیده من، باغ گل دمید نام وطن چو بر ورقه دفترم گذشت
(مشیری، ۱۳۸۷: ۸۵۷)

در اندیشه برخی بعد از خدا، تمام هستی، وطن بوده و تا حد پرستش آن را می‌ستایند:
بعد از خدای، جان و جهانم وطن بود یعنی همیشه ورد زبانم وطن بود
پیوسته آشکار نمایم نهان خویش زیرا که آشکار و نهانم وطن بود
(کسرابی، ۱۳۸۲: ۶۴)

آتش عشق وطن در دل شهریار چنان سوزان است که آهن و فولاد را هم ذوب می‌کند:
بعجوشانم ز کانون هنر من خروشان سیلی از پولاد و آهن
شگفتی نیست گر آهن کنم آب که از سوز و گداز عشق میهن
(شهریار، ۱۳۹۱: ۹۰۴)

۲-۸- اشعار اسلام وطنی

اسلام وطنی در اندیشه گروهی از شاعران انقلاب اسلامی به استناد حدیث «مَنْ أَصْبَحَ لَأَ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کافی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۶۴) نسبت به دوره مشروطه نمود بیشتری دارد.

«شاعران به هر موضوعی در هر جای جهان حساسیت و حضور نشان می‌دهند. فلسطین، لبنان، بحرین، بوسنی، عراق، افغانستان، اروپا و آمریکا و دردها و مسائل مشترک جهانی شاعران را برمی‌انگیزد تا سروده‌هایی حتی ویژه برای این سرزمین‌ها و مردمانشان داشته باشند» (سنگری، ۱۳۹۳: ۶۲).

«به روشنی می‌شود حس کرد که شعر انقلاب، بیش از اینکه جنبه ملی‌گرایانه داشته باشد، جنبه اسلام‌گرایانه دارد. می‌توان گفت در نگاه شاعران انقلاب «امت واحده» جای «کهن بوم و بر» را گرفته است» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۴). در نگرش برخی از شاعران انقلاب اسلامی، نژاد و قوم و قبیله جایی ندارد. همه در زیر چتر قانون خدا یکی هستند:

قانون الهی من و مایی شناسد تاجیکی و تازی و ختایی شناسد
این محکمه، شاهی و گدایی شناسد اسلام، مواریث نیایی شناسد
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۹۰)

با پیوند اندیشه ملی گرایی و اسلام گرایی می توان از دین و وطن دفاع کرد:

ای بهین ایران ما ای آنکه شد ز اندیشه ات دشمن تو تلخکام و دوستانت شادکام
آفتاب شرع بر ما پرتوافکن — رشود تا که هستی در پناه سایه خیر الانام
(کسرای، ۱۳۸۲: ۲۰۹)

۳- نتیجه گیری

در نتیجه تأثیر آشنایی ایرانیان با فرهنگ، تمدن و پیشرفت اروپا، ایدئولوژی ملی گرایی در تعارض با ایدئولوژی دینی در ایران شکل گرفت. با ورود مفاهیم جدیدی چون آزادی، دولت، ملت، وطن و ناسیونالیسم به فضای فکری و فرهنگی، نگرش کلی جامعه نسبت به مفاهیم، موضوعات و پدیده‌ها در رسیدن به ترقی و پیشرفت، متحول و دستخوش تغییر گردید. با تأثیر ایدئولوژی ملی گرایی، وطن در نگاه بیشتر شاعران مشروطه، در مفهوم ملی گرایی و ناسیونالیستی و با ستایش از باستان گرایی و سکولاریزه شدن جامعه ایران بوده است. با وجود آنکه در این دوره، فرهنگ و هویت ایرانی، تأثیر پر رنگی بر اندیشه وطنی شاعران این دوره گذاشته است؛ اما دین نیز در میان اقشار مختلف جامعه نقشی تعیین کننده و انکارناپذیر داشت. گروهی دیگر از شاعران این دوره نیز، با ایدئولوژی دینی به وطن خواهی و دفاع از آن برخاسته و تعالی ایران را بدون یاری گرفتن از فرهنگ دین اسلام غیر ممکن می دانستند. آنان بر اتحاد و همدلی با سایر مسلمانان هم تأکید می کردند.

شاعران انقلاب اسلامی نیز با تأثیر پذیری از مکتب اسلام و با ایدئولوژی توحیدی و با استناد به حدیث معروف «حبّ الوطن من الایمان» به نگاه به وطن صبغه شرعی داده‌اند. در اندیشه و ایدئولوژی گروهی دیگر از شاعران انقلاب اسلامی هم، نگاه به وطن، ملی گرایی و ناسیونالیستی است؛ اما به اندازه دوره مشروطه پر شدت و حرارت نبوده است؛ بلکه بیشتر با پیوند ملیت و اسلامیت، جلوه‌های تازه‌ای از وطن گرایی ناسیونالیستی را پدید آوردند؛ اما

تأثیر عمده ایدئولوژی انقلاب اسلامی در نگاه به وطن، با در نظر گرفتن هدف غایی اسلام در تشکیل حکومت جهانی، اسلام وطنی بوده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولی لایی. چاپ ۲. تهران: نشر نی.
- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۷). **مشروطه ایرانی**. چاپ ۹. تهران: اختران.
- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۷). **از صبا تا نیما**. چاپ ۹. تهران: زوآر.
- ابوالقاسمی، سیدرضا. (۱۳۹۳). **هویت تاریخی سید جمال الدین**. همدان: نبی اکرم.
- ابوسعید ابوالخیر. (۱۳۸۷). **رباعیات**. چاپ ۲. کرج: شرکت تعاونی کارآفرینان هنر.
- احمدی چناری، علی اکبر. (۱۳۸۰). «**وطن گرایی در آثار ادبای عرب مهاجر**». راهنما محمد فاضلی. پایان نامه ارشد ادبیات عرب. دانشگاه فردوسی مشهد.
- اختری، عباسعلی. (۱۳۶۱). **جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی**. تهران: مؤسسه انجام.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۹). **تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم**. تهران: مروارید.
- اقبال لاهوری، محمد. (۱۳۸۹). **کلیات شعر**. با مقدمه شریعتی و اقبال. چاپ ۴. تهران: الهام.
- ایرج میرزا، جلال الممالک. (۲۵۳۶). **دیوان شعر**. محمدجعفر محبوب. تهران: اندیشه.
- بشله، ژان. (۱۳۷۰). **ایدئولوژی چیست؟** ترجمه علی اسدی. تهران: حیدری.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار**. چاپ ۴. تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۹۴). **مجموعه اشعار**. چاپ ۷. تهران: انتشارات نگاه.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز. (۱۳۷۶). **آن همیشه سبز**. منبع (کنگره بزرگداشت سرداران سهمیه استان تهران). بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز. (۱۳۸۲). **حماسه های همیشه**. تهران: فرهنگ گستر.
- پیشاوری، ادیب. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**. چاپ ۲. تهران: نشر عبرت.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۹۴). **سرود وطن**. تهران: مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی کومش.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۲). **دیوان اشعار**. محمد دبیر سیاقی. چاپ ۳. تهران: تیراژه.
- سبزواری، حمید. (۱۳۶۸). **سرود درد، دیوان اشعار**. دفتر اول، تهران: کیهان.

- سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۳). **از نتایج سحر**. تهران: سوره مهر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰ الف). **ادوار شعر فارسی**. چاپ ۶. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰ ب). **با چراغ و آینه**. چاپ ۲. تهران: سخن.
- شهریار، محمدحسین. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار**. چاپ ۵. تهران: زرین نگاه.
- شیخ بهایی، محمدبن حسین. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار**. با مقدمه سعید نفیسی. چاپ ۵. تهران: زرین صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. چاپ ۱۷. تهران: فردوسی.
- طاهری، حسین رضا. (۱۳۸۹). **فرهنگ اصطلاحات سیاسی**. تهران: انتشارات آوای دانش گستر.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). **دیوان شعر**. به کوشش مهدی نورمحمدی. تهران: سخن.
- عیوضی، محمدرحیم؛ هراتی، محمدجواد. (۱۳۸۹). **درآمد تحلیلی بر انقلاب اسلامی**. قم: دفتر نشر معارف.
- فرخی یزدی، محمد. (۱۳۹۴). **مجموعه اشعار**. تدوین مهدی اخوت و م، ع، سپانلو. تهران: نگاه.
- کاشانی، سپیده. (۱۳۷۳). **سخن آشنا**. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۹۰). **ده شاعر انقلاب**. تهران: سوره مهر.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). **آوازه‌های نسل سرخ**. تهران: عروج.
- کسرابی، محمدحسین. (۱۳۸۲). **میهن در شعر کسری**. تهران: کسرابی.
- کسروی، احمد. (۱۳۹۴). **تاریخ مشروطه ایران**. چاپ ۸. تهران: نگاه.
- کمالی، حیدر علی. (۱۳۳۰). **دیوان شعر**. به کوشش رضا رهبر. تهران: بی‌نا.
- گیلانی، سید اشرف‌الدین. (۱۳۹۲). **کلیات جاودانه نسیم شمال**. به کوشش حسین یمینی. چاپ ۳. تهران: اساطیر.
- لاهورتی، ابولقاسم. (۱۳۵۸). **دیوان اشعار**. احمد بشیری. تهران: امیرکبیر.
- مددپور، محمد. (۱۳۹۳). **سیر تفکر معاصر**. چاپ ۴. تهران: سوره مهر.
- مردانی، محمدعلی. (۱۳۶۷). **فروغ ایمان، (مجموعه اشعار)**. تهران: امیرکبیر.
- مردانی، نصر الله. (۱۳۶۴). **خون‌نامه خاک**. تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- مشیری، فریدون. (۱۳۸۷). **بازتاب نفس صبح‌دمان، (کلیات اشعار)**. تهران: چشمه.
- مصدق، حمید. (۱۳۷۶). **شیر سرخ، (مجموعه اشعار)**. تهران: نشر کانون.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۸). **مثنوی معنوی**. تألیف کریم زمانی. تهران: اطلاعات.
- میرزاده عشقی، محمدرضا. (۱۳۵۷). **کلیات مصور عشقی**. به کوشش علی‌اکبر مشیری سلیمی. چاپ جدید. تهران: جاویدان.
- یمینی مردوخ‌کی کردستانی، ناصر. (۱۳۶۴). **دشمن ایران زمین**. شعر جنگ.